آسيب ‏هاى روان ‏شناختى اينترنت

بى شك، رشد روزافزون اينترنت فوايد و اهميت غير قابل انكارى دارد، چندان كه در دوران حاضر، نقش محورى اينترنت چنان اساسى است كه بدون آن امكان برنامه ريزى، توسعه و بهره‏ورى در زمينه‏هايى چون: فرهنگى، اجتماعى، اقتصادى و علمى در جهان آينده امكان‏پذير نخواهد بود. با وجود اين، نبايد از پيامدهاى ناگوار و مخرب آن به‏ويژه در زمينه‏هاى اجتماعى و فرهنگى غافل ماند.

به ديگر سخن، اينترنت با همه خوبى‏ها و فوايدش، از كاستى‏ها و آسيب‏هايى نيز برخوردار است كه همگان به ويژه دولت‏مردان، سياست‏گذاران و اوليا و مربيان و والدين بايد بدان واقف باشند. البته سخن گفتن از آسيب‏هاى اينترنت به معناى نفى اين پديده و نگاه منفى بدان نيست؛ بلكه واقعيت اين است كه اينترنت داراى كاركردهاى مثبت و منفى مى باشد كه پاره‏اى از كاركردهاى مثبت را در مقاله پيشين بيان كرديم و اكنون به بيان برخى از آسيب‏هاى آن مى پردازيم. آسيب شناسى اينترنت، همچنان كه از عنوان آن پيداست، عنوانى كلى و وسيع است، چندان كه مى‏توان آن را از رويكردها و ابعاد مختلف مورد مطالعه و بررسى قرار داد؛ براى مثال، در بُعد فنى آسيب‏هايى نظير امنيت شبكه‏اى و نرم‏افزارى در برابر ويروس‏ها و نفوذگرها (هكرها)، برنامه‏نويسى‏هاى گوناگون و گاهى غير استاندارد، همچنين در ابعاد مختلف ديگرى چون ابعاد سياسى و بررسى مسائلى مانند تاءثير اينترنت بر مرزهاى ملى، دموكراسى و آزادى، در بُعد اقتصادى مباحثى از قبيل: اينترنت و بازارهاى الكترونيكى و تاثير آن در جهانى شدن و اقتصاد جهانى و ابعاد گوناگون ديگر را مى‏توان مطرح كرد. اما در اين نوشتار فقط به آسيب‏هاى روان‏شناختى اشاره خواهيم كرد.

**انواع آسيب‏هاى فردى و روان‏شناختى**

امروزه آسيب‏هاى فردى و روان‏شناختى اينترنت، از سابر خطرات آن بيشتر است. در بعد روان شناختى، اينترنت آسيب‏هاى جدى متعددى از جمله: هويت نامشخص، اضطراب، افسردگى و انزوا، اعتياد به اينترنت و به خصوص اعتياد به گپ‏زنى (چت) را مى‏تواند براى كاربران به همراه داشته باشد؛ همچنان كه فوايد و مزاياى متعددى را نيز مى‏تواند براى او به ارمغان آورد.

شناخت واقعى و عملى نيازهاى نسل جوان امروز، مستلزم بررسى ابعاد مختلف عوامل تاءثيرگذار و اثرپذيرى از فنّاورى نوين ارتباطى است. متاسفانه بخش عمده‏اى از مديران و مسئولان و برنامه‏ريزان و تصميم‏سازان ما يا نمى‏خواهند و يا نمى‏توانند به شناخت اين فنّاورى بپردازند. اينترنت و رايانه نه تنها ميزان و سطح اطلاعات نسل جوان را افزايش داده، بلكه بر تمايلات و گرايشات آنان نيز تاءثير گذاشته است. نسلى كه با اينترنت سر و كار دارند همين جوانانى هستند كه در نهادهاى مختلف مشغول كارند. از اين‏رو برچسب منحرف و مانند آن زدن به چنين كاربرانى به هيچ عنوان روا نيست. اما در عين حال بايد توجه داشت كه اين رسانه جهانى حاوى پيام‏ها و پيامدهايى است كه مى‏تواند شخصيت جوان و نوجوان را به سادگى تحت تاءثير قرار دهد و به سمت و سويى خطرناك بكشاند. از اين رو، جا دارد كه با انجام تحقيقاتى وسيع در حوزه روان‏شناسى و جامعه‏شناسى اينترنت، مباحثى كه در جوامع پيشرفته مهم و حياتى قلمداد مى‏شوند، جامعه را از آفت‏هاى واقعى آنها مطلع، و در صورت امكان از برخى از آنها پيش‏گيرى كرد.

يكى از مسائل روان‏شناختى در باره اينترنت، هويت ناشناس كاربر است. هويت، واجد سه عنصر است: شخصى، فرهنگى و اجتماعى، كه هر يك در تكوين شخصيت فرد نقش مهمى را ايفا مى‏كنند. در مقايسه‏ها، هويت شخصى ويژگى بى‏همتاى فرد را تشكيل مى‏دهد و هويت اجتماعى در پيوند با گروه‏ها و اجتماعات مختلف قرار مى گيرد. اينترنت صحنه فرهنگى و اجتماعى است كه فرد خود را درموقعيت‏هاى متنوع نقش‏ها و سبك‏هاى زندگى قرار مى دهد. در اين فضاى عمومى، مهارت فرهنگى جديدى لازم است تا با تنظيمات نمادين بتوان بازى كرد. پايگاه شخصى نمونه‏اى مدرن است كه چگونه كاربر اينترنت خود را براى مخاطبان جهانى معرفى مى‏كند. براى بيان افكار، احساسات، علايق و آراء از متن مناسب، گرافيك، صدا و فيلم استفاده مى‏شود. «ميلر» اهميت و پيوندهاى پايگاه شخصى را ذكر مى‏كند و مى‏گويد كه: «به من بگو لينك‏هايت چيستند تا بگويم كه چه شخصى هستى.»

دكتر محمد عطاران معتقد است كه با امكانات و گزينه‏هاى فراوانى كه رسانه‏هاى عمومى از جمله اينترنت در اختيار جوانان مى‏گذارند، آنان دائماً با محرك‏هاى جديد و انواع مختلف رفتار آشنا مى‏شوند. چنين فضايى هويت نامشخص و پيوسته متحولى را مى آفريند، خصوصا براى نسلى كه در مقايسه با نسل قبل با محرك‏هاى فراوانى مواجه است. همچنين از طريق رسانه‏هاى جمعى، افراد خط مفروض ميان فضاى عمومى و خصوصى را تجديد سازمان مى‏كنند و اين امكانى است كه جوانان فعالانه از آن استفاده مى‏كنند.(1(

**بحران هويت جوانان**

جوان، به خصوص در دوران بلوغ كه مرحله شكل‏گيرى هويت اوست و همواره به دنبال كشف ارزش‏ها و درونى كردن آنها مى‏باشد، با اينترنت و حجم گسترده، حيرت‏انگيز و گوناگون اطلاعات مواجه مى‏شود و ناچار كه در اين دنياى مجازى، هويت خويش را از طريق جستجو پيدا كند و بدين‏سان، ممكن است برخى و شايد تعداد زيادى از نوجوانان راه را در اينترنت گم كنند و دوران هويت‏يابى خويش را بيش از پيش با بحران سپرى كنند.

از سوى ديگر، گاهى برخى از ويژگى‏هاى شخصيتى مانند: سن، تحصيلات، محل سكونت و حتى جنسيت در اينترنت از بين مى‏رود؛ به عنوان نمونه، بسيارى از افرادى كه در اتاق‏هاى چت مشغول گفتگو با يكديگر مى‏باشند با مشخصاتى غير واقعى ظاهر شده و از زبان شخصيتى دروغين كه از خود ساخته‏اند و آن را به مخاطب يا مخاطبان خود معرفى كرده‏اند، صحبت مى‏كنند و با اين حال، چه تاءثيراتى كه همين شخصيت‏هاى ناشناس بر يكديگر دارند.

**سوء استفاده جنسى**

يكى ديگر از خطرات جدى اينترنت در دوران كنونى متوجه كودكان و نوجوانان است. از جمله اين خطرات سوء استفاده جنسى از طريق اينترنت است. كودكان و نوجوانان به خصوص در جوامع پيشرفته كه استفاده از اينترنت در خانه و مدرسه براى آنان ميسر است، خاصه از طريق اتاق‏هاى چت و گپ‏زنى مورد اغفال و سوء استفاده جنسى قرار مى‏گيرند. در مواردى كار اغفال كودكان توسط باند و تشكيلات برنامه‏ريزى‏شده انجام مى‏شود كه يكى از موارد آن در ايالت «كنتاكى» در آمريكا اتفاق افتاد. در آنجا يك بازرس پليس موفق شد يك شبكه انتشار صور قبيحه كودكان را برچيند.(2(

بنا بر مطالعاتى كه در غرب در اين زمينه انجام گرفته است، اغلب نوجوانانى كه مورد اغفال و سوء استفاده جنسى واقع مى‏شوند، زير 18 سال سن دارند و در بيشتر موارد تصاوير تحريك‏كننده‏اى از طريق چت يا تلفن همراه برايشان ارسال، و سپس از آنها براى حضور فيزيكى در محل خاصى دعوت شده و بدين ترتيب فريب خورده و مورد تجاوز جنسى واقع مى‏شوند.(3) اين مسئله در حال حاضر، به يكى از معضلات جدى در مغرب زمين مبدل شده است؛ چندان كه غالب دانشمندان و سياست‏گذاران به‏اين امر بيش از پيش وقوف و توجه داشتهاند و مقالات، كتاب‏ها و همايش‏هاى متعددى در ارتباط با آن برگزار كرده‏اند؛ براى مثال، ده سال پس از تصويب كنوانسيون حقوق كودك توسط سازمان ملل در سال 1989م؛ يعنى در سال 1999م گردهمايى جهانى تحت عنوان «كارشناسى براى حمايت كودكان در برابر سوء استفاده جنسى از طريق اينترنت» برگزار گرديد كه منجر به صدور قطعنامه‏اى شد كه در آن آمده است: «هر چه اينترنت بيشتر توسعه پيدا كند، كودكان بيشتر در معرض محتويات خطرناك آن قرار خواهند گرفت. فعاليت‏هاى مجرمانه مربوط به فحشاى كودكان و پورنوگرافى آنان، كه از طريق اينترنت مورد سوءاستفاده واقع مى‏شوند، اكنون از مسائل حاد به شمار مى‏رود. اگر چه سودمندى‏هاى اينترنت از زيان‏هاى بالقوه آن بيشتر است، در عين‏حال نبايد از شناخت خطرات آن، غفلت كرد. در صورتى كه براى مقابله با اين خطرات، اقدامى صورت نگيرد، تهديدهاى سنگين آن بر كودكان باقى خواهد ماند و سبب بازدارى از كاربرد صحيح اينترنت در آينده خواهند شد».(4) نكته بسيار مهم آن است كه چون اينترنت «جهانى» است، قواعد ناظر به آن نيز بايد «بين‏المللى» باشد و مبارزه با مفاسد اينترنت از جمله ترويج فحشاى كودكان، همتى جهانى طلب مى‏كند و نيازمند يك رويكرد استراتژيك جهانى و منحصر به فرد و مستلزم ضمانت اجرايى بين‏المللى است.

بدين‏سان، پايگاه‏هاى زيادى درباره با آثار مخرب اينترنت و به خصوص چت براى نوجوانان و جوانان و راه‏هاى پيشگيرى از اين آثار راه‏اندازى شده است كه از جمله اين پايگاه‏ها عبارتاند از:

http://www.safekids.com/  
http://www.safeteens.com/   
http://www.cyberkids.com/kc/index.html   
http://www.kidsworld.org/  
http://www.kids-online.com/   
http://www.kidssafenet.com/

حتى براى جستجوى مطمئن و متناسب با نوجوانان، موتورهاى جستجوى تخصصى مطمئن و فيلتردارى تاءسيس شده‏اند كه نمونه‏هاى زير از آن جمله‏اند:

http://www.ajkids.com/  
http://www.yahooligans.com/  
http://sunsite.berkeley.edu/KidsClick  
http://cybersleuth-kids.com/

بنابراين، ضرورى است كه پيش از شيوع چنين خطرات اينترنتى در بين نوجوانان جامعه ما، تدابير امنيتى مناسبى انديشيده شود و مفاهيم مبتنى بر فنّاورى ارتباطى روز و خطرات احتمالى و نحوه استفاده صحيح از آن توسط رسانه‏هاى جمعى، براى نوجوانان كشور، به عنوان يك نياز ضرورى و فورى قلمداد شده، آموزش داده شود. واقعيت اين است كه جامعه كاربران ميليونى اينترنت كشور در 10 سال آينده، امروز تعليم مى بينند. هر اندازه اين تعليم، بر اساس درك بيشتر و توجه به قابليت‏هاى كودكان استوار شده باشد، خطر آسيب‏پذيرى نوجوانان و جوانان كشور از فعاليت‏هاى مبتذل فرهنگى غرب از طريق فنّاورى روز، كاهش مى‏يابد و راه حضور صحيح و روشمند نوجوانان ايرانى در اينترنت هموارتر مى‏گردد.

**اعتياد به اينترنت**

اعتياد به اينترنت(5) يا استفاده بيش از حد از ديگر آسيب‏هاى فردى، و تا حدودى اجتماعى اينترنت است كه گاهى از اين بيمارى تحت عنوان اعتياد مجازى(6) و مشهوتر از آن با عنوان «اختلال به اعتياد اينترنت»(7) نام برده مى شود. اختلال اعتياد به اينترنت يك پديده بين رشته‏اى است و علوم مختلف پزشكى، رايانه‏اى، جامعه‏شناسى، حقوق، اخلاق و روان شناسى هر يك از زواياى مختلف اين پديده را مورد بررسى قرار داده‏اند و در هر يك از اين علوم مختلف نظريه‏هايى براى اين اختلال مطرح شده است. اما به رغم تحقيقات زياد براى شناختن عوامل اصلى اعتياد به اينترنت، ابهامات بسيارى در بين دانشمندان اين حوزه وجود دارد.

ممكن است تا به حال چندين بار از طريق رسانه‏هاى جمعى به ويژه تلويزيون، باخبر شده باشيد كه در آمريكا و برخى از جوامع پيشرفته، تعداد معتادان به اينترنت از اعتياد به مواد مخدر، الكل و ساير چيزها بيشتر است. بنا بر يك گزارش، برخى از آمريكايى‏ها تا جايى اعتياد پيدا كرده‏اند كه روزانه بيش از 18 ساعت از وقت خود را صرف اينترنت مى‏كنند، كه اين امر منجر به قبض‏هاى تلفن سرسام‏آور و عدم‏توجه به خانواده مى‏شود. از اين رو، اينترنت زندگى بسيارى از مردم را مختل كرده است. اين بيمارى در آمريكا به قدرى فاجعه‏بار است كه كليساها، پيشوايان مذهبى با فريادهاى كمك خواهى زن و شوهر، يا يكى از آنها، براى رهايى از اين نوع اعتياد مواجه هستند و مؤسسه‏هاى مشاوره‏اى مسيحى در حال تدوين مشاوره‏هاى اعتياد به اينترنت مى‏باشند.(8) تشخيص اعتياد به اينترنت از مواردى است كه بحث‏هاى زيادى درباره آن صورت گرفته است. سرپرست مركز درمانى اعتياد به الكل و مواد مخدر در دانشگاه استنفورد در اين مورد مى گويد: «اگر فردى متوجه شد كه قادر نيست يك روز را بدون استفاده از اينترنت سپرى كند، شكى نيست كه اين فرد به استفاده از اينترنت معتاد شده است».(9) البته حق اين است كه زمان به تنهايى نمى‏تواند معيار كامل و دقيقى براى تشخيص اعتياد به اينترنت باشد؛ بلكه در كنار آن بايد شاخص‏هاى ديگرى نظير اين كه شخص استفاده كننده چه كسى است، در نظر گرفته شود، بايد توجه شود. كه آيا كاربر دانشجو و استاد دانشگاه است كه هر روز براى تهيه برخى مطالب و آمارها به اينترنت مراجعه مى‏كند؟ آيا تاجرى است كه هر روز چندين ساعت وقت خويش را صرف تجارت الكترونيكى مى‏كند؟ يا اينكه فردى است كه عادت كرده است تا بخشى از وقت خويش را براى چت و گپ‏زنى و ايجاد روابط اينترنتى سپرى كند؟ بى شك، در مورد اوّل و دوم به سختى مى توان برچسب معتاد اينترنتى را براى كاربران آن حرفه روا دانست. نكته قابل توجه اينكه بسيارى از مطالعات و تحقيقات انجام گرفته در اين مورد، مطالعات موردى است كه تعميم نتايج آن به همه شرايط و همه جوامع چندان آسان نيست. به همين جهت، معيار و نشانه‏هاى گوناگونى در اين باب مطرح شده است. از جلمه نشانه‏هاى ديگر اعتياد به اينترنت، موارد زير را مى‏توان يادآور شد، هرچند كه اين نشانه‏ها به تنهايى نمى‏توانند معيار مستقل و كاملى براى اعتياد مجازى به شمار آيند:

كم بيرون رفتن از خانه، صرف زمان بسيار كوتاه براى وعده‏هاى غذايى، شكايت ديگران از صرف زمان طولانى در اينترنت، بررسى و سر زدن به صندوق الكترونيكى چندين مرتبه در روز، رفتن به سراغ اينترنت در مواقع تنهايى و خلوت و زمانى كه كسى در خانه نيست.(10(

علت و ريشه اعتياد به اينترنت از مباحثى داغى است كه نظريه‏پردازان مختلفى را به خود مشغول كرده است و نظرات مختلفى دراين باره وجود دارد. دكتر «جان گروهول»(11) كه گفته مى‏شود توسط وى تحقيقات وسيعى در اين زمينه انجام گرفته است، معتقد است چيزى كه باعث اعتيادآور شدن اينترنت گرديده، اجتماعى شدن(12) است. به عقيده گروهول جنبه‏هايى از اينترنت كه كاربران بيشترين وقت خود را در آنها سپرى مى‏كنند، با تعامل اجتماعى مرتبط است؛ به عنوان مثال، كاربران با انسان‏هاى همانند و دلخواه خود از طريق پست الكترونيكى، گروه‏هاى مباحثه يا خبرى، چت، بازى آن‏لاين و مانند آن وارد تعامل اجتماعى مى شوند.

البته انسان‏ها و مخصوصا جوانان ساعت ها وقت خويش را براى كتاب خواندن، تماشاى تلويزيون و مكالمه تلفنى مى‏كنند، و حتى گاهى از خانواده و دوستان و محيط خويش غافل مى شوند، ولى آيا مى توان گفت كه آنها معتاد تلفن و تلويزيون هستند؟ البته نه. سرّ اختلاف اينترنت با ديگر رسانه‏ها و خصيصه اعتيادزاى آن در اين است كه جوان هنگام كار با اينترنت به دنبال هويت‏يابى و تعامل اجتماعى است و اين فرايند اجتماعى شدن است كه آن را اعتيادآور مى سازد.(13(

دكتر كيمبرلى اس. يانگ(14) يكى ديگر از متخصصان و محققان مسائل اينترنت، ريشه فريبندگى و اعتيادآور بودن اينترنت را در مدلى تحت عنوان ACE به سه عامل پيوند مى‏دهد. اين سه عامل عبارتند از:

گمنامى: آيا تا به حال اصطلاح «شما به اندازه رازهايتان نگران هستيد» را شنيده‏ايد؟ مسئله اعتياد به اينترنت نيز چنين است. نه از روى قبض‏هاى تلفن مى شود فهميد و نه كسى از كليسا شما را در حال خروج از كتاب‏فروشى مخصوص بزرگسالان خواهد ديد. فقط كاربر و گيرنده پيام از اين موضوع آگاهى دارند. كسى نمى‏تواند بفهمد شخصى كه به اينترنت متصل است، مشغول چه كارى است.

راحتى و آسودگى: شما درخانه خود مى‏توانيد با نوك انگشتانتان با دنيا ارتباط داشته باشيد. با چند ضربه انگشت مى‏توانيد داستان‏هاى عاشقانه، رابطه جنسى اينترنتى، بازى‏ها و كتاب‏هاى بزرگسالان و ديگر چيزها را به داخل خانه خود بياوريد.

گريز: دكتر يانگ مى‏نويسد: «اگر افراد در زندگى روزمره روز بدى داشته باشند، مى‏توانند با مراجعه به اينترنت به تسكين و آسودگى برسند. بعضى از افراد معتاد، اينترنت را به عنوان يك مسكن و بعضى ديگر به عنوان آزاد شدن يكباره هورمون آدرنالين مى‏دانند. بالاتر از اين شما در اينترنت مى‏توانيد هر چيزى يا شخصى باشيد. شما مى‏توانيد وزنتان را كمتر بگوييد، اگر چه سنگين وزن باشيد. خود را مجرد معرفى كنيد، اگر چه متاهل باشيد. و شما مى‏توانيد يك زندگى تخيلى و خيالى داشته باشيد. از اين جهت، اينترنت مى‏تواند باعث گمراهى افراد شود.»(15) پيامدهاى اعتياد به اينترنت و حتى كار زياد با اينترنت كه در حد اعتياد نباشد، نتايج و پيامدهاى زيان‏بخشى براى فرد و جامعه در پى داشته و آسيب هاى شديد جسمانى، مالى، خانوادگى، اجتماعى و روانى را به همراه دارد. يكى از پيامدهاى فردى و اجتماعى اعتياد و كار زياد با اينترنت، انزوا و كناره‏گيرى اجتماعى است.

پوت‏نام(16) (1991م) معتقد است كه در طى 35 سال گذشته كاهش چشمگيرى در ارتباطات اجتماعى افراد در آمريكا رخ داده است. مردم كمتر به راءى‏گيرى و كليسا مى روند، به ندرت موضوعات سياسى را با همسايه‏ها در ميان گذاشته يا عضويت گروههاى دواطلبانه را قبول مى‏كنند، مهمانى شام كمترى دارند و كمتر به منظورهاى اجتماعى دور هم جمع مى‏شوند. اين موضوع پيامدهاى عمده‏اى براى جامعه و فرد دارد؛ زيرا وقتى مردم از نظر اجتماعى درگير باشند، سالم‏تر و خوشبخت‏تر زندگى مى‏كنند.(17(

از ديگر پيامدهاى اعتياد اينترنتى مشكلات خانوادگى و تاءثير آن بر روى روابط زناشويى، والدين و فرزندان است. امروزه اصطلاح «بيوه اينترنتى»(18) براى همسر معتاد به اينترنت اطلاق مى شود. آمار نشان مى‏دهد كه اعتياد به اينترنت ممكن است به فروپاشى خانواده و طلاق منجر شود. شايد باور كردن اينكه شخصى همسر خود را فقط به علت ارتباط با فرد ديگر در اينترنت ترك مى‏كند، براى كسانى كه به اينترنت اعتياد پيدا نكرده‏اند، وحشتناك به نظر برسد؛ ولى اين مسئله هر روز در دنياى اينترنت اتفاق مى‏افتد.

دكتر يانگ معتقد است كه اگر چه زمانْ تنها عامل تعيين كننده در تعريف اعتياد به اينترنت نيست، ولى عموما معتادان بين 40 تا 80 درصد از وقت خود را با جلساتى كه ممكن است هر كدام حتى تا 20 ساعت طول بكشد، صرف مى‏كنند و اين كار باعث مى شود اختلالاتى در ميزان و زمان خواب كاربر به وجود آيد. در موارد شديد حتى قرص‏هاى كافئين براى تسهيل زمان طولانى‏ترى در اينترنت بودن مصرف مى‏شود. اين اختلال، خستگى بيش از اندازه در بدن ايجاد مى‏كند كه كاركرد درسى و شغلى را تحث تاءثير قرار مى دهد و ممكن است نظام ايمنى بدن را ضعيف كند و فرد آسيب‏پذيرى بيشترى به بيمارى‏ها پيدا كند. افزون بر اين، به علت عدم ورزش و حركات مناسب، مشكلات عصب‏هاى مچ و درد پشت، چشم‏درد و مانند آن به وجود مى آيد.

**تضاد و تعارض در اينترنت**

همين امروز آغاز كن تا آينده را فراچنگ آري. اينترنت اين جاست و دارد اتفاق مي‌افتد، هم امروز از آينده بهره برگير». نقل از يك آگهي در فايننشنال پرس انگلستان، مارس 1998. «اينترنت داراي مشكلاتي است كه اغلب گريبانگير منابعي است كه در مالكيت همگاني قرار دارند: استفاده‌ي نادرست بالقوه، مسايل امنيتي و نوعي فقدان ساختار». نقل از اطلاعيه‌ي مطبوعاتي اتحاديه‌ي بين‌المللي ارتباطات دوربرد ، اكتبر 1998. «روزگاري كه به نظر مي‌آمد اينترنت بيرون از قوانين سرمايه‌داري قرار دارد ديگر كم و بيش به سر آمده است». نقل از هات وايرد، 12 مارس 1999. منتقدان اجتماعي ترقي‌خواه به طبع بدبين‌اند، آنها بارها شاهد بوده‌اند كه به سبب حرص و آز شركت‌هاي سرمايه‌داري و شكست و ناكامي سياسي، وعده و وعيد تقسيم نعمت‌ها و مواهب بر باد رفته است. اما اميد همچنان بر جاي مي‌ماند و با آميزه‌اي از ساده‌دلي، عزم راسخ، كوشش صادقانه پرورش مي‌يابد؛ يا بنا به لطيفه‌ي كوتاه گرامشي با بدبيني عقل و خوش‌بيني اراده. هيچ چيز بيش از دگرگوني‌هاي فني نمي‌تواند اميد جاوداني به پيشرفت را بارور كند. در دهه‌هاي اخير، پيدايش نيروهاي ارتباطي با شتاب و انعطاف‌پذيري غيرقابل تصور مجدداً به صورت پايه‌اي براي بازنويسي خيال‌آميز تاريخ آينده درآمده است. در ساليان اخير، تلويزيون چريكي، ويدئوي محلي، [برنامه‌هايي كه براي تهييج افكار عمومي به لحاظ اجتماعي و سياسي ساخته مي‌شود] و نيز راديوهاي دوسويه‌ي همگاني همه و همه اميد گذراي تأمين مواد و مصالح الكترونيكي را براي تنوع‌جويي و دگرانديشي عرضه داشته‌اند. با اين همه، هر يك از اين ابزار به عنوان يك وسيله‌ي مؤثر دگرگوني اجتماعي از بين رفته‌اند. در نظر مورخاني كه با تاريخچه‌ي اختراع دستگاه چاپ، پيدايش روزنامه، يا بنگاه‌هاي سخن‌پراكني آشنايي دارند جاي تعجب نيست كه نوآوري‌هاي فني در دستگاه ستم و نابرابري ادغام شوند. با اين همه هنگامي كه سرمايه‌داري در اواخر قرن بيستم به چيزي شبيه به يك مرز انتقالي رسيد، اين احساس كه توانايي چشمگير و بي‌سابقه تكنولوژي‌هاي مبتني بر كامپيوترهاي جديد ممكن است چيزي يك سره متفاوت باشند بار ديگر آتش زير خاكستر خوش‌بيني راديكال را شعله‌ور ساخت. آخرين منبع چنين خوش‌بيني‌اي پيدايش اينترنت است؛ و اينترنت گسترش تصاعدي سلسله‌اي از شبكه‌هاي كاميپوتري است كه فرهنگ، گزافه‌گرايي بي‌پايان رسانه‌اي، ادبيات فزاينده و حتي نوع يا ژانر آغازيني از فيلم‌ها و داستان‌پردازي‌هاي آينده گران خاص خود را ابداع كرده است. سرانجام به نظر مي‌رسد كه روياي عرضه‌ي الكترونيكي آرمان‌هاي جفرسوني در دسترس ماست چنان كه سياستمداراني چون توني بلر در انگلستان و ال گور در ايالات متحده تلاش مي‌كنند تا به صورت آينده‌گران سياست عصر رايانه درآيند. هيچ كس فرصت بهره‌گيري از چنين تحولي را از دست نمي‌دهد، حتي نيوت گينگريچ هم به ما اطمينان مي‌دهد كه اين عصر جديد، انقلابي در كالاها و خدمات در پي خواهد داشت كه اكثريت مردم را توانمند خواهد كرد و وضع آنان را بهبود خواهد بخشيد (به صف اكثريت توجه كنيد: حتي ‌آينده‌گرايان نيز هواي «داو» شرط‌بندي خود را دارند). اين‌ها كافي است كه آب دهان آدم را راه بيندازند گرچه گينگريچ در ادامه مي‌گويد كه ايالات متحده مي‌تواند با پيشگام شدن در تغيير و تحول كالاهاي تازه، خدمات، سيستم‌ها، استانداردهاي مربوط به يك انقلاب تكنولوژيك، سودهاي هنگفت به دست آورد. در اين مقاله من مي‌خواهم از پيامدهاي رشد و گسترش اينترنت ارزيابي گسترده‌تري به دست دهم و آن را در كنار برخي ملاحظات مربوط به نابرابري اطلاعاتي جهاني بررسي كنم. اعجوبه‌ها و سودهاي خالص تاريخچه‌ي اينترنت و در واقع به طور كلي تاريخچه‌ي صنعت كامپيوتر، افسانه‌ي دلكشي است كه در عالم صغير روياي آمريكايي مي‌گنجد: داستان اين است كه مردان جوان پرجنب و جوش و مبتكري در حياط خلوت خانه‌ها و يا در انباري‌ها نيروي محركي را تشكيل مي‌دهند كه صنعتي را به راه مي‌اندازد كه آغازگر ورود ايالات متحده به عصر اطلاعات است. اين سوداگران فني كه چيزي براي خطر كردن ندارند جز اندكي دلار، جز رويا، جز چند وسيله و ابزار قرضي و جز اعجوبگي فني، به هيأت كارنگي‌ها، هرست‌ها، اديسون‌ها، دوپون‌ها و راكفلرهاي جديد دوران رايانه درمي‌آيند. اكونوميست‌ رشد و گسترش اينترنت را نه حسن تصادف و يا پيروي از مد روز بلكه پيامد قدرت مهار نشده‌ي خلاقيت فردي مي‌شمارد. اگر اين اتفاق در حوزه‌ي اقتصاد رخ دهد نشانه‌ي پيروزي بازار آزاد بر برنامه‌ريزي متمركز، در عرصه‌ي موسيقي چيرگي جاز بر باخ، در حوزه‌ي سياست برتري دموكراسي بر ديكتاتوري به شمار مي‌آيد، اين نمايش‌پردازي نيز مانند بسياري از داستان‌هاي اساطيري هسته‌اي از حقيقت دربردارد. آرمان‌هاي پيشتازي كه در رشد و گسترش اوليه‌ي اينترنت سهيم بودند به قسمت زيادي از فرهنگ اينترنتي كمي آب و رنگ هيچي‌وار داده است؛ در همان حال كه شبكه‌هاي كامپيوتري خود را به شعارهاي عصر جديد غرب آمريكا، شمينيسم تكنولوژيك و ايفاي نقش جهان‌هاي شگفت‌آور مي‌آرايند. اينها خيالات واهي است؛ اما از همان آغاز مطرح بوده است و جاي تعجب نيست كه دوستداراني چون راينگلد با حسرت اعلام خطر مي‌كنند. او مي‌گويد «هنوز براي مردم سراسر جهان امكان اين هست كه بكوشند كه اين قلمرو نوين گفتمان حياتي بشري به روي شهروندان اين سياره باز بماند، پيش از آنكه كله گنده‌هاي سياسي و اقتصادي آن را بقاپند سانسورش كنند، معيار و اندازه‌اي برايش معين كنند و از نو آن را به ما بفروشند». اين جا راينگلد بيش از آنكه انتظار داشته باشد اميدوار است. با اين همه، سرچشمه‌ي پيدايش اينترنت را نبايد در حياط خلوت خانه‌هاي اين اعجوبه‌ها جست. زندگي اينترنتي در سازمان‌هاي طرح‌هاي پژوهشي عالي پنتاگون آغاز شد. نياز به شيوه‌اي كه بتواند پژوهشگران كامپيوترهاي نظامي را به يكديگر پيوند دهد به پيدايش فني مي‌انجامد كه توانست داده‌هاي انتقال يافته را به بسته يا بلوك تقسيم كند. چنين فني هم امنيت داده‌ها را ميسر مي‌ساخت (بخش‌هايي از پيام‌ها را نمي‌توان گوش ايستاد) و هم سالم ماندن آنها را تضمين مي‌كرد (حتي حمله‌هاي اتمي تنها مي‌تواند به بخشي از يك شبكه اصابت كند به نحوي كه بخش‌هاي ديگر دست نخورده مي‌مانند و زمام كار را به دست مي‌گيرند). آزمايش‌هاي اوليه در اواسط دهه‌ي شصت ميلادي هم زمان بود با كارهايي كه در آزمايشگاه ملي فيزيك در انگلستان انجام مي‌پذيرفت. هنگامي كه آرپنت از چهار گره در سال 1969 به حدود يك صد گره در 1975 افزايش يافت، به سازمان ارتباطات دفاعي تحويل شد. در دهه‌ي 1980 شبكه‌هاي دانشگاهي در سايه‌ي پشتيباني بنياد ملي علوم گسترش يافتند. ان.اس.اف. نت كه بدين ترتيب به وجود آمد در 1990 جانشين آرپنت شد. از سوي ديگر، واگذاري شبكه‌هاي منطقه اي.ان.اس.اف به بخش خصوصي موجب پيدايش شالوده‌ي تجاري براي شبكه‌هاي به هم بسته‌اي شد كه در آن زمان وجود داشتند و مبناي همه‌ي رشد و گسترش‌هاي بعدي شدند. هم چنان كه اينترنت تقريباً به طور تصاعدي گسترش مي‌يابد، مجموعه‌اي كاملاً تجاري از سيستم‌هاي اصلي ساخته و پرداخته مي‌شود و جاي سيستم‌هايي را مي‌گيرد كه پيش از اين دولت ايجاد كرده بود. تأمين‌كنندگان خدمات اينترنتي تبديل به شركت‌هاي عام بزرگ شده‌اند و يا در هم ادغام گشته‌اند. در سال 1995 همه‌ي محدوديت‌هاي باقي مانده بر سر راه استفاده‌ي تجاري از اينترنت از ميان رفت. اريك اشميت، رئيس كل فني سان‌مايكروسيستمز، اين موضوع را به سادگي چنين توضيح مي‌دهد: «تأمين خدمات براي مشتريان عبارت است از كاربرد مرگبار اينترنت». از نظر راس جونز، مدير برنامه‌هاي ديجيتال اينترنت، اينترنت «عرصه‌ي پرباري براي كشف امكانات تجاري محسوب مي‌شود» و يا اگر بخواهيم از اكونوميست نقل كنيم «اينترنت ديگر بالغ شده بود». اندازه‌ي اينترنت، به هر معنايي كه بگيريم، تقريباً هر سال دو برابر مي‌شود. علم حساب و اغراق‌گويي را به هم بياميزيد، آن گاه همه‌ي ساكنان اين سياره با هم ارتباط خواهند يافت. ورلد وايد وب (شبكه‌ي جهاني) در سال 1989 در مركز پژوهش‌هاي ذره‌اي اروپا ايجاد شد، ولي فقط در سال 1993 اوج گرفت يعني هنگامي كه پس از ساخته شدن نرم‌افزارها در دانشگاه ايلينويز و سپس در جاهاي ديگر «مرورگران» \* و رابطه‌هاي گرافيكي را به وجود آورد تا امكان پژوهش و بازبيني «صفحات» شبكه‌ي جهاني ممكن شود. با ورود امكانات چند رسانه‌اي براي اينترنت، توليدكنندگان تجاري مرورگراني چون نت اسكيپ يك شبه ثروتمند شدند. تا سال 1995 بيش از سي هزار پايگاه اطلاعات در اينترنت به وجود آمد و از آن پس تقريباً هر دو يا سه ماه دو برابر شده است و احتمالاً شماره‌هاي آنها اكنون افزودن بر ميليون‌ها است. مهم‌ترين دگرگوني در ويژگي شبكه‌ي جهاني افزايش شديد پايگاه‌هاي تجاري بوده است. بنا بر ارزيابي مؤسسه‌ي فني ماساچوست نسبت مراكزي كه به استفاده‌ي تجاري اختصاص دارند از 416% در كل در 1993، به 50% در كل در اوايل 1998 افزايش يافته است. دريافت ماهيت كاربرد اينترنت عموماً مي‌تواند از راه بررسي «قلمروهاي» كاربردي آن صورت گيرد. در 1994 استفاده از قلمروي تجاري “Com” به عنوان رايج‌ترين نام جايگزين قلمروي آموزشي “edu” شده بود؛ و اين زماني بود كه شركت‌ها كشف كردند كه شبكه چيزي بيش از يك پاتوق اعجوبه‌ها است. نت ورك ويزاردز در بررسي خود در ژانويه‌ي 1996 نشان مي‌دهد كه 4/9 ميليون كامپيوتر ميزبان به اينترنت متصل‌اند كه از اين تعداد، قلمروي تجاري “com” به تنهايي گسترده‌ترين قلمرو را به خود اختصاص داده است و از مجموع قلمروهاي علمي / آموزشي “edu” و دولتي “gov” نيز وسيع‌تر است. كله‌گنده‌ها وارد گود مي‌شوند در اواسط دهه‌ي 1990 دو ويژگي شركت‌هاي بزرگ در بخش‌هاي ارتباطات دوربرد و اطلاعات جلوه‌اي چشمگير دارد. نخست آن كه موج عظيمي از ادغام‌ها، الحاق‌ها و يا تشكيل شركت‌ها رخ مي‌دهد. دوم آنكه فعاليت‌ها گوناگوني و تنوع مي‌يابند. هر دو حركت همان طور كه روند تجاري‌سازي اينترنت جدي‌تر مي‌گردد، طراحي مي‌شوند تا شركت‌هاي عظيم را در موقعيتي برتر قرار دهند. بنابر بررسي براودو بيوا سوشييتس در 1995 ميزان ادغام‌ها و دادوستد شركت‌ها در صنعت تكنولوژي اطلاعات 57% افزايش يافت و قيمت معادلات انجام شده به 143 ميليون دلار رسيد. شركت‌هاي تكنولوژي اطلاعات با همه‌ي توش و توان خود درصدد رسيدن به جايگاه مهمي بودند كه لازمه‌ي رقابت در بازار بين‌المللي است، در عين آن كه به ويژه طالب نوعي از همياري بودند كه پيوند با شركت‌هايي را مجاز مي‌شمرد كه به تازگي نظارت دولتي از آن حذف شده بود. بنابراين دليل حضور در شبكه‌ي جهاني نه به صورت مد روز تازه به دوران رسيده‌ها بلكه به صورت يكي از مقتضيات و ضرورت‌هاي كسب و كار درآمد. اين فعاليت‌ها در اروپا بيشتر در عرصه‌ي ارتباطات دوربرد، در ايالات متحده در بخش سمعي بصري، در ژاپن در صنايع الكترونيك متمركز بوده است. آلمان بزرگ‌ترين بازار ارتباطات دوربرد است و تاكنون در اين زمينه ادغام‌هايي با شركت‌هاي آمريكايي (تيسن ـ بل ساوت) و شركت‌هاي انگليسي (وياگ اينتركام بي‌تي و با كيبل‌اند و ايرلس) صورت داده است. اتحاديه‌هاي اخير در بخش‌هاي سمعي بصري همكاري‌هايي با او.ژ.س. فرانسه و فوكس قرن بيستم و نيز قرارداد توليد مشترك ميان تلويزيون فرانسه و تايم وارنر را دربرمي‌گيرد. روند گسترده‌تر ادغام‌هاي عظيم در بخش‌هاي سمعي بصري شامل تصاحب ام.سي.اي. از سوي شركت كانادايي غول‌آساي شراب و نوشابه‌سازي سيگرم نيز مي‌شود كه كنترل استوديوهاي فيلم‌سازي يونيورسال را هم در دست دارد. نمونه‌هاي ديگر اين ادغام‌ها عبارت‌اند از خريد سهام ترنر برودكستينگ از سوي تايم وارنر، خريد كپتال سيتيز (كه شبكه‌ي اي.بي.سي. را نيز در خود دارد) از سوي شركت والت ديزني و خريد شبكه‌ي سي.بي.اس. از سوي وستينگ هاوس. هنگامي كه پخش و توزيع به صورت اولويت بعدي امر تجاري شدن اينترنت درمي‌آيد رشد و گسترش سياست ادغام عمودي، بخش سمعي بصري را در موقعيت اصلي و كليدي قرار مي‌دهد. خريد سهام استوديوهاي فيلم‌سازي پارامونت در سال 1994 از سوي شركت‌ رسانه‌اي غول‌آساي واياكام (كه كانال‌هاي ام.تي.وي. را اداره مي‌كند) به خوبي نشان‌دهنده‌ي اين نكته است. اين ادغام عمودي از بسياري جهات ممكن است از هم‌گرايي‌هاي پرسروصداي صنايع مربوط به ارتباطات دوربرد، كامپيوتر و خبرپراكني پراهميت‌تر باشد. مورد اخير بهره‌برداري تكنولوژيكي از امري است كه در وهله‌ي نخست بايد آن را به صورت يك استراتژي مالي و اقتصادي در نظر گرفت. اين جا ناگزير به برخي اسامي آشناي ديگر برمي‌خوريم. نيوز كورپورشن متعلق به روپرت مرداك با سرمايه‌گذاري مشترك با شركت مخابراتي راه دور ام.سي. آي. در عرصه‌ي خدمات اطلاع‌رساني وارد اين صحنه شد. از جمله‌ي اين خدمات اف.واي.آي آن لاين متعلق به ام.سي.آي. پست الكترونيكي، شبكه‌ي دلفي متعلق به نيوزكورپ، بازي‌هاي كامپيوتري برخط كسماي است. همزمان، شركت‌ مايكروسافت با عرضه‌ي مايكروسافت نت ورك و اجراي طرح‌هاي آزمايشي در بخش سمعي و بصري از طريق خريد سهام شركت دريم ووركس و همكاري با شبكه‌ي ان.بي.سي. و كسب مجوز تكثير بازي‌هاي ويدئويي آغاز به كار كرد. به اين ترتيب روياي دستيابي به دموكراسي جفرسوني از راه فيبرهاي نوري فقط به فرصت صرفه‌جويي بيست دقيقه راهپيمايي تا محل كرايه‌ ويدئو تبديل مي‌شود. به دشواري مي‌توان اين وعده و وعيدهاي مرداك را با واقعيت تطبيق داد كه چنين اقدامي «مي‌تواند ميان منافع اجتماعات گوناگون پلي بزند، فرصت‌هايي براي برقراري ارتباط و رشد و گسترش آن بيافريند و تجربه‌ي روزانه‌ي افراد را از هر دست و طبقه، پربار سازد.» در اساس، شركت‌ها مي‌توانند براي بازاريابي سه نوع كالا از شبكه بهره بگيرند: فرآورده‌هاي توليدي خود، دسترسي به شبكه، تبليغات. استفاده از شبكه براي بازاريابي به تازگي آغاز شده و با مشكلاتي مدام به ويژه عدم امنيت در پرداخت‌ها، همراه است. مشكل عمده‌ي تبليغات سرشماري دقيق تعداد مخاطبان است كه هم اكنون اين موضوع را مورد توجه ويژه قرار گرفته است. تاكنون چند بار به پايگاه شما «سرزده» و يا از آن استفاده كرده‌اند؟ به رغم اين بي‌اطميناني، نرخ تبليغات در حال تثبيت شدن است. پايگاه‌هاي همه پسندي مانند پلي بوي براي عرضه‌ي يك اتصال به اندازه‌ي يك تمبر پستي به صفحات خود، مبلغي تا حدود صدهزار دلار طلب مي‌كند. در انگلستان، الكترونيك تلگراف براي نمايش هفته‌اي يك اتصال دكمه‌اي بر روي صفحه‌ي نمايش خود مبلغ بيست‌وپنج هزار پوند درخواست مي‌كند. پلي بوي ادعا مي‌كند تا نوامبر 1995 روزانه بيش از سه ميليون بار به پايگاه آنان، «سر زده» اند. جاناتان نلسون، مديركل شركت‌ تخصصي اُرگنيك آن لاين، مي‌گويد: «ما به پايگاه‌هاي اطلاعات به منزله‌ي وسيله‌اي براي تجمع چشم‌هايي مي‌نگريم كه مي‌كوشند تا مردم را به اين عرصه بكشند و تجربه‌اي به آنان عرضه كنند. هدف، جلب افراد مناسب به جايگاه‌هايي است كه با توجه به عناصر دقيق جمعيت‌شناسي معين شده‌اند». براي شركت‌هايي كه در زمينه‌ي سرگرمي‌ها فعال‌اند اين روش مستقيم‌تر است. سي.ان.ان. آن لاين داستان‌هايي را برمي‌گزيند كه نظر به مردان جوان طبقه بالا دارد. ارايه‌ي چنين خدماتي اين امكان را فراهم مي‌آورد تا اين شركت‌ها بتوانند مشتريان خود را بفريبند و از ارايه‌ي خدمات اضافي به آنان كه فراتر از خدمات رايگان اصلي است سود ببرند. نظام نرخ‌بندي اين خدمات اضافي همانند نظام نرخ‌بندي تلويزيون كابلي است. كلمبيا تري استار در سال 1995 اقدام به راه‌اندازي يك پايگاه اطلاعات كرد. اين مركز با استفاده از ترفندهايي مانند نظرسنجي در مورد اينكه آيا هنرپيشه‌ي نقش اول فلان فيلم كمدي موقعيت [به مجموعه‌هاي تلويزيوني خنده‌داري گفته مي‌شود كه شخصيت‌هاي عادي در قسمت‌هاي از پيش تدارك‌‌ديده‌اي خط داستان را ادامه مي‌دهند.] بايد آبستن شود يا نه و يا با طرح معماهايي درباره‌ي فلان سابقه‌ي تلويزيوني به جلب وفاداري تماشاگران مي‌پردازد. ريچارد گلوسو معاون ارشد كلمبيا تري استار، مي‌گويد: «موفقيت ما در افزايش شمار تماشاگران برنامه‌هاي ماست». تنگناهاي رايانه‌اي: تضاد و تعارض در اينترنت خريد سهام از سوي شركت‌ها و تجاري كردن اينترنت مي‌تواند به آساني به شكست‌طلبي فرساينده‌اي بينجامد و به اين نتيجه برسد كه نيروهاي هم‌چنان مهاجم «بازار آزاد» تكنولوژي بالقوه و رهايي‌بخش ديگري را به محاصره‌ي خود درآورده‌اند. اما اينترنت در اين مرحله از رشد و گسترش خود، نمود آشكار آن دسته از انتخاب‌ها و تضادهايي است كه در بطن هر موقعيت حساس سياسي وجود دارند. چهار قلمرو اصلي زير روشنگر وضعيت نامطمئن و فرصت‌هاي موجود است: كاربرد اجتماعي يا سازوكار بازار خصوصيات دوگانه‌ي ذاتي ارزش‌ مصرف و ارزش مبادله عميقاً در رشد و تكامل سيستم‌هاي ارتباطي مانند اينترنت ريشه دارند حتي ناپي‌گيرترين شبكه‌گردان پس از گذشت و گذار كوتاهي در شبكه با نمونه‌هايي از پتانسيل كاملاً مترقي تكامل اجتماعي آن روبه‌رو خواهد شد. در سال 1990 در لندن، مك دونالدز ادعانامه‌اي عليه پنج آنارشيست ابلاغ كرد؛ بر طبق اين ادعانامه اين پنج آنارشيست با انتشار يك جزوه به طرزي ناخوشايند با آشكار ساختن جزئيات اعمال و شيوه‌هاي استخدامي اين شركت غول‌آساي غذايي نسبت به آن هتك حركت روا داشته و روش‌هاي كشت و توليد مواد غذايي آن را مورد ترديد قرار داده بودند. اين محاكمه ابعادي ديكنزي به خود گرفت؛ دو تن از مدعيان، يكي پدر بي‌همسر و بيكار و ديگري باغبان سابقي كه اكنون در مشروب‌فروشي كار مي‌كند، اثبات كرده‌اند وكيلان دعاوي، خودآموخته و خستگي‌ناپذيري شده‌اند كه ماجراي بي‌پايان و آزاردهنده‌اي را براي شركت مك دونالدز دنبال مي‌كنند. اين شركت به رغم فروش كل خود كه بالغ بر 26 ميليارد دلار مي‌شود و استفاده از گروه مشاوران حقوقي خود كه روزانه ده‌هزار دلار هزينه برمي‌دارد، نتوانسته است اين دو تن را در طولاني‌ترين محاكمه‌ي غيرنظامي تاريخ انگلستان شكست دهد. يكي از مهم‌ترين حمايت‌هايي كه از متهمان به عمل آمد ايجاد يك پايگاه اينترنت بود كه به مدد آن ميليون‌ها رويدادي كه نشانگر نقطه ضعف‌هاي مك دونالدز بود شرح و بسط داده شد و تمام مقالات انتقادي يا كارتوني كه در اين مدت تهيه شده از طريق الكترونيكي در اختيار گسترده‌ترين مخاطبان قرار گرفت. نمونه‌هايي از اين دست بي‌شمارند. بررسي‌هاي انجام شده گواه آن است كه درخواست براي كسب اطلاعات بر روي شبكه‌ي جهاني بالاست و در حقيقت بيش از درخواست‌هاي مربوط به برنامه‌هاي سرگرم‌كننده است. در نظرخواهي شركت هريس در 1994 آشكار شد كه 63% مصرف‌كنندگان خواهان اطلاعاتي درباره‌ي دولت يا بهداشت يا ديگر موضوع‌هاي مربوط به خدمات عمومي هستند. تقريباً سه چهارم خواهان اخبار سفارشي، تنها 40% علاقه‌مند به دسترسي به فيلم روي اينترنت و به مراتب كمتر از اين تعداد خواهان خريد كالا از راه دور بوده‌اند. پس چرا سياست شركت‌ها درست در جهت مخالف است؟ زيرا همان طور كه هوارد بسر اشاره مي‌كند تنها مي‌توان گفت «اين صنعت معتقد است كه در درازمدت اثبات مي‌شود كه اين دسته از خدمات سودآورترند». پرسش اينجاست كه عرضه يا تقاضا، كدام سبب رشد و گسترش اينترنت خواهد شد؟ شركت آوم ، مشاوران يوروپيين كاميشن، تخمين مي‌زنند كه در سال‌هاي آتي، خدمات چند رسانه‌اي شبكه‌اي در شمال غرب اروپا 42% از درآمد خود را از راه ارايه‌ي برنامه‌هاي سرگرم‌كننده و پورنوگرافي كسب خواهد كرد و تنها 11% اين درآمد از راه خدمات اطلاعاتي به دست خواهد آمد. وقتي كه وياكام، شركت پارامونت را به 10 ميليارد دلار خريد بسياري در عاقلانه بودن اين معامله شك كردند زيرا اين مبلغ 17 برابر ارزش نقدي شركت پارامونت بود؛ اما تلويزيون پارامونت و انبار فيلم‌هاي آن با يافتن كانال‌هاي پخش اضافي، حق اشتراك مصرف‌كنندگان جديد و مخاطبان گسترده براي تبليغات، منبع پرارزشي براي بهره‌برداري فراهم مي‌آورد. همزمان با اتحاد مايكروسافت و ان.بي.سي. براي تهيه‌ي برنامه‌هاي تلويزيوني بيست و چهار ساعته و اخبار اينترنتي، ديگر شركت‌هاي خبرپراكني نيز به اينترنت هجوم آورند. تا مارس 1996 حدود سيصد هزار صفحه‌ي اصلي روي شبكه از لغت «تلويزيون» به عنوان كليد واژه‌ي خود بهره مي‌جستند. ادغام يا حذف نخستين روياپردازان شبكه‌اي، جهان الكترونيكي مرتبط با همي را در نظر داشتند كه در آن اجتماعات واقعي در يك كمون رايانه‌اي جهان نسبت به هم پشتيباني و صميمت متقابل نشان مي‌دهند. در اين روياپردازي به خلاف ساختارهاي كهن سلسله مراتبي عمودي، ساختار اطلاعاتي افقي خواهد بود. در مجادلات بحث‌انگيز درباره‌ي سانسور و پورنوگرافي بر روي شبكه به حق به مسأله‌ي حذف و طرد زنان از اين جديدترين «بازيچه‌ي پسربچه‌ها» توجه شده است. نمونه‌هاي اسفناك فحاشي فراملي از طريق شبكه‌هاي، ورود تبليغاتچي‌هاي ناخوشايندي مانند «پيمپس.آر.يواس» آن‌لاين به اينترنت، پايه و اساس منطقي انتقادهاي كساني چون ديل اسپندر را فراهم آورده است. اسپندر در كتاب غرغر كردن در شبكه مي‌گويد، ماهيت جنس پرستانه‌ي خطوط و يا ايستگاه‌هاي گپ‌زني و نيز ذات مردسالارانه‌ي رشد و گسترش آنها سبب حذف زنان از شبكه گشته است؛ اما احتمالاً بهاي اين وسايل و ابزار سهم اساسي‌تري در پيدايش اين شكاف و حذف و طرد افراد دارد. امر تثبيت و تحكيم ساختار بازار ناگزير همان الگوهاي حذف و تمايزگذاري موجود در تكنولوژي‌هاي پيشين را تكرار مي‌كند. دستيابي به اينترنت مستلزم داشتن كامپيوتر سطح بالا، داشتن خط تلفن و مودم، است. در انگلستان بسياري از خانواده‌هاي تنگ دست حتي به تلفن نيز دسترسي ندارند؛ حال آنكه فقط بهاي سخت‌افزار براي شروع حدود، بيست‌هزار دلار مي‌شود كه اين مبلغ به مراتب بيش از سرمايه‌اي است كه احتمالاً اين گونه خانواده‌ها هرگز نخواهند داشت. هزينه‌هاي اتصال به شبكه كه در حال حاضر پرداخت ماهيانه حدود 27 دلار را به شركت‌هايي مانند كامپيوسرو دربرمي‌گيرد مبلغ كلاني نيست؛ اما تقريباً معادل يك چهارم مقرري ماهيانه‌ي تأمين اجتماعي براي يك نوجوان است. بررسي‌هاي اخير نشان مي‌دهد كه سطح خريد كامپيوترهاي خانگي به حداكثر خود رسيده است؛ نرخ افزايش آن در سال 1995 در ايالات متحده تقريباً صفر بود. بيشتر اقلام فروش رفته به جاي آنكه در ميان مشتريان جديد پخش شود در اختيار آن دسته از صاحبان فعلي كامپيوتر قرار گرفته است كه مي‌خواهند وسايل و ابزار خود را بهبود بخشند؛ و اين جاست كه شكاف‌هاي موجود عميق‌تر مي‌شوند. دلايلي در دست است كه بر اين روند صحه مي‌گذارد. نيكلاس نگروپونته، رئيس ام.آي.تي.ميديا لب كه خيال‌پرداز دوران رايانه‌هاست، اين روند را چنين ارزيابي مي‌كند: «برخي نگران شكاف اجتماعي ميان بهره‌مندان اطلاعات و بي‌بهره‌گان از اطلاعات، ميان داراها و ندارها و ميان جهان اول و جهان سوم‌اند؛ اما شكاف فرهنگي واقعي شكاف ميان نسل‌ها خواهد بود». ولي سخنان وي نادرست است. دور لاكر در بررسي خود نشان مي‌دهد كه بخش اعظم كاربران اينترنت مردان طبقه متوسط 25 تا 34 ساله‌اند، اما بررسي ديگر در سال 1995 در انگلستان از سوي ان.اُ.پي. نشانگر آن است كه يك سوم كاربران 35 تا 54 ساله و يك سوم آنان زن هستند. درآمد، وجه عمده‌ي تمايز ميان كاربران است. درآمد ساليانه‌ي حدود يك سوم از آنان بيش از بيست‌وپنج هزار پوند است. خوانندگان فايننشنال تايمز بيش از ديگران بر روي شبكه حضور داشتند. نيلسن \* به پژوهش گسترده‌تري در ايالات متحده و كانادا دست زد و دريافت كه كاربران شبكه‌ي جهاني درآمدهاي بالايي دارند (درآمد 25% از آنان افزون بر هشتادهزار دلار است)، نيمي از آنان مشاغل حرفه‌اي و مديريتي دارند و دو سوم داراي مدارك تحصيلي دانشگاهي‌اند. پيدايش كالاهاي ارتباطي جديد با گسترش فزاينده‌ي نابرابري درآمدها مصادف شده است. در انگلستان دگرگوني‌هاي بازار كار، سياست‌هاي مالياتي و رفاهي دوران تاچر، بازسازي و تباهي صنعتي، نظامي از نابرابري‌ها پديد آورده‌اند كه در اين قرن بي‌سابقه بوده است؛ اما اين پايه و اساس ارتباطات اجتماعي نيست. دهكده‌ي جهاني به بازار رايانه‌اي بدل شده است. همين كه ارتباطات به بازار كشيده مي‌شود، نابرابري‌ها گسترش يابنده‌ي اقتصادي تبديل به نابرابري‌هاي فرهنگي و سياسي مي‌گردند. حتي همان گونه كه اخيراً ديويد كلاين در مجله‌هاي وايرد كه مبلغ گزافه‌گوي تكنولوژي است مي‌نويسد: «ممكن است آينده تنها براي اقليتي از ما كه مرفه، انعطاف‌پذير، داراي تحصيلات عالي‌اند به سرزمين اعجاب‌آور فرصت‌ها تبديل شود؛ اما در همان حال امكان دارد براي اكثريتي از شهروندان ـ يعني براي بي‌چيزان، محرومان از تحصيلات دانشگاهي، به اصطلاح آدم‌هاي زيادي ـ دوران تيره و تار رايانه‌اي فرا رسد». گوناگوني يا ادغام روياي ديگر پيشتازان كامپيوتر آن بود كه به اين وسيله زمينه‌ي پيدايش سرمايه‌گذاري ـ مخترع فراهم آيد، بدين معنا كه شبانه يك هزار ميليونر بتوانند از زمين برويند و هر كسي بتواند هم توليدكننده باشد و هم مصرف‌كننده. تازه مگر نه آن كه خود «وب» به دست يك مهندس نرم‌افزار كه در گوشه‌ي آزمايشگاهي در سويس به كار گِل مشغول بود اختراع شد. در ضمن نرم‌افزاري كه شبكه را به شدت تقويت كرد حاصل كار گروهي از دانشجويان دانشگاه ايلينوئيز بود و يا آن كه مارك اندريسن، مخترع نت اسكيپ، محبوب‌ترين «مرورگر» شبكه، در اوايل بيست سالگي خود بي‌درنگ به يك ميلياردر بدل گشت. جز اين حتي ورود شركت‌هاي غول‌پيكر به اين عرصه نيز همانند موارد ياد شده يك دست و يكنواخت نبوده است. تا فوريه‌ي 1996 نيوزكورپ و آن‌لاين ونچر متعلق به ام.سي.آي. همچنان داشتند كاركنان خود را اخراج مي‌كردند و هيئت مديره نيز غزل خداحافظي مي‌خواند. اي.تي.اند تي. يكي از شركت‌هاي غول‌پيكري است كه پياپي عده‌اي از مديران ارشد خود را به هنگام ورود ترديد‌آميز و ناموزون خود به اين بازار جديد از دست داد. اي ورلد متعلق به شركت اپل و دلفي متعلق به مرداك نيز به اين مجموعه از جالوت‌هاي لنگ تعلق دارند. اما نكته اين جاست كه شركت‌هاي غول‌پيكر مي‌توانند از عهده‌ي اشتباهات خود برآيند و آنها را جبران كنند و همان طور كه مراقب فروافتادن شهاب‌هاي بخت خود بر اطراف كسب و كار و تجارت‌اند به محض اطمينان يافتن از خيز برداشتن دوباره‌ي آنها، سرمايه‌ي سوداگري خود را به آن سو انتقال دهند و بگذارند بازيكنان اندك مايه‌ي اين بازي، هزينه‌هاي آغازين و مخارج راه‌اندازي و يا هزينه‌هاي پژوهشي و گسترش آنها را جذب كنند. ممكن است ماهيت به اصطلاح بوتيكي اين بازار جديد با تأكيد بر بستن قراردادهاي فرعي و حضور تجارت‌هاي خرد انعطاف‌پذير، اين شركت‌هاي عظيم را به مبارزه فراخواند؛ اما قسمت عمده‌ي اين بازار همچنان در دست همان شركت‌هاي غول‌آسا باقي خواهد ماند. دموكراسي الكترونيكي يا فردگرايي سايبرنتيكي همين چندي پيش پيدايش تلويزيون كابلي و ورود قريب‌الوقوع شبكه‌ي كامپيوتري، هيجان‌هاي توقع‌آميزي را درباره‌ي عصر نوين طلايي «دموكراسي از راه دور» برانگيخت. از قرار رأي‌دهندگان به اربابان سياسي خود دسترسي مستقيم مي‌داشتند، همه‌پرسي الكترونيكي سازوكار مكرر براي مسوليت‌پذيري و سياست‌ورزي دموكراتيك را فراهم مي‌آورد و كسب اطلاعات سياسي براي شهروندان بي‌ هيچ حدومرزي و درنگي امكان‌پذير بود. در ضمن دموكراسي رايانه‌اي از نوع آتني آن در ميان ناظران شكاك خاطره‌اي را زنده مي‌كرد و سبب مي‌شد به ياد آورد كه در آتن زنان و بردگان از نظر سياسي صدايي نداشتند. در دموكراسي سايبرنتيكي نوين نيز وضع به همين منوال بود. همان طور كه كليفورت استال در مقاله‌ي شكاكانه‌ تندوتيز و درخشان «حقه‌بازي سيليكوني» خاطرنشان مي‌كند، تا فرا رسيدن اين عصر طلايي «تنها كساني حق بهره‌مندي و دسترسي به شبكه خواهند داشت كه از سواد فني برخوردار باشند». بدين سان بخش محدودي از جمعيت كه به پايگاه‌ اطلاعات اينترنت متصل‌اند و چنين مي‌نمايد كه شمارشان نسبت به كل جمعيت، سخت رو به كاهش مي‌گذارد، تنها كساني خواهند بود كه از امتياز دسترسي به جهاني سياسي بهره‌مند خواهند شد؛ بدين ترتيب اين جهان از دسترس كساني كه از لحاظ تكنولوژي فقيرند دور است. از اين گذشته، ويژگي و سرنوشت سياست چنان كه در اين سناريوها پيش‌بيني شده است ماهيت دموكراسي را از اساس دگرگون مي‌سازد، همان طور كه استال اشاره مي‌كند امكان اين گفت‌وگوي الكترونيكي دلايل وجودي معتبر حكومت نمايندگي را از ميان برمي‌دارد؛ زيرا وقتي هر يك از ما بي‌درنگ بتواند در مورد هر موضوعي رأي بدهد ديگر نمايندگي چه معنايي دارد! اينجا نيروي بالقوه‌اي براي فردي ساختن بنيادي سياست در ميان است. در دموكراسي رايانه‌اي نقش سازمان‌هاي نمايندگي‌كننده و ميانجي مانند اتحاديه‌هاي كارگري، گروه‌هاي محله‌اي، احزاب سياسي و گروه‌هاي فشار تضعيف مي‌شود. در نتيجه چنان كه دو تن از تحليل‌گران هلندي، ون دو وانك و تاپس مي‌گويند: «هر گاه سازمان‌هاي نمايندگي‌كننده از ميان برود و «خلايق» بتوانند عملاً گرد هم آيند نوعي دموكراسي مستقيم مبتني بر همه پرسي معقول مي‌نمايد». اما پش فرض دسترسي همگاني، كه توهمي بيش نيست، نيز بر افسانه‌اي درباره‌ي ماهيت كنش متقابل استوار است. خريد خانگي از راه شبكه خيزي برنداشته است زيرا مردم مي‌خواهند آن چه را مي‌خرند ببينند و لمس كنند و با فروشندگان اين كالاها ارتباط برقرار كنند. گرچه هنگامي كه سيستم‌ها پيچيده‌تر، دقيق‌تر و ايمن‌تر مي‌شوند در اين امر تغييري دست مي‌دهد. كنش متقابل در شبكه به هيچ رو براي بحث و گفت‌وگو و تأثيرگذاري دموكراتيك سازوكار مناسبي نيست و به گفته‌ي ريشخندآميز هوارد بسر «به پاسخگويي به پرسش‌هاي چندگزينه‌اي و وارد ساختن شماره‌هاي كارت‌هاي اعتباري «يادداشت‌هاي الكترونيكي» تقليل مي‌يابد. بدين سان ممكن است تفرد، دسترسي نابرابر، جدا نگه داشته شدن از روند رأي‌گيري به همان اندازه كه پيامد سياست‌ورزي شبكه‌اي باشد حاصل بازار الكترونيكي نيز باشد. سرانجامي نه چندان جهانگير نابرابري‌هاي الكترونيكي در حال ظهور زاده‌ي شبكه‌ي جهاني، ادغام تجاري آن بازتاب اقتصاد سياسي بنيادين همه‌ي تكنولوژي‌هاي ارتباطي پيشين است. اين امر تمايز و تفكيكي دوگانه چه در سطح ملي و چه در عرصه بين‌المللي پديد مي‌آورد. چنان كه گذشت براي استثمار تجاري دسترسي به ذخاير و منابع فراوان تنها در صورتي ارزشمند است كه بتواند از راه سازوكار قيمت‌ها اين دسترسي را محدود كند. به سخن ديگر، بايد براي ورود مصرف‌كنندگان و نيز توليدكنندگان به بازار كمبود، ساختگي پديد آورد و مانع ايجاد كرد. اين سناريو به صورت حكمي جهانگير درمي‌آيد. در واقع دهه‌ي 1980 براي دو سوم از مردم جهان كه در تنگدستي به سر مي‌برند «دهه‌ي از دست رفته» به شمار مي‌آيد. در آغاز اين دهه حدود شصت درصد جمعيت در كشورهايي مي‌زيستند كه درآمد سرانه‌شان كمتر از 10% متوسط درآمد سرانه‌ي جهان بود. هنگامي كه دهه‌ي 1990 فرا رسيد برخي از اين كشورها از منجلاب فقر و تنگدستي بيرون آمدند؛ اما وضع اقليت اندكي از كشورها دگرگون شد و عمدتاً به «كشورهاي تازه صنعتي شده‌ي» آسياي شرقي محدود ماند. در همان حال كه سيل كمك با شتاب به سوي اقتصادهاي در حال تقلاي اروپاي شرقي سرازير بود (انگيزه‌ي فرصت‌طلبي‌هاي تجاري و هشدار ايالات متحده درباره‌ي بي‌ثباتي سياسي، ناشي از اقتصادهاي از هم پاشيده و خلاء قدرت بود) كشورهاي ديگر به ويژه كشورهاي فقير آسيا و آفريقا همچنان كه نگران بدهي‌هاي فزاينده و كاهش قيمت مواد اوليه‌ي خود بودند به توصيه‌هاي آزارنده درباره‌ي «اصلاح و تعديل ساختاري» گوش مي‌سپردند. تركيب سياست حمايت فزاينده از صنايع داخلي در كشورهاي شمال، كمك‌هاي رو به كاهش، نرخ‌هاي واقعي بالارونده‌ي بهره، بدهي‌هاي رشد يابنده هر چه بيشتر به بحران هر روزه‌ي اقتصادهاي جهان سوم دامن زد. در سال 2000 در همان حال كه ما با شگفتي به جشن‌هاي هزاره خيره بوديم و غرق تأمل در تجمل پرزرق و برق آينده رايانه‌اي، نزديك به يك ميليارد از مردم دنيا در فقر به سر مي‌بردند و تنها 15% از جمعيت جهان 70% از درآمد جهان را توليد و مصرف مي كردند. پس جاي شگفتي نيست كه قلمرويي كه به اشغال كالاها و تجهيزات ارتباطي درآمده است آكنده از نشيب و فراز و شاخص‌ آن قله‌هاي رفيع امتياز و بهره‌مندي در دره‌هاي عميق فلاكت و محروميت باشد. براي نمونه، توليد كتاب همچنان زير سلطه‌ي اروپا و ايالات متحده است. سلطه‌ي ناشران چندمليتي انگليسي زبان، به ويژه در زمينه‌ي نشر كتاب‌هاي آموزشي، به عنوان ديرپاترين مشخصه‌ي رسانه‌هاي بين‌المللي نيز تداوم دارد. بيش از نيمي از توليد مطبوعاتي جهان همچنان در اختيار غرب صنعتي باقي مي‌ماند. برعكس، تنها 1% از نشر مطبوعاتي جهان، يعني همان نسبت يك دهه‌ي پيش، به آفريقا تعلق دارد. رشد و گسترش خبرپراكني‌ها به منزله‌ي رسانه‌ي سلطه در بيشتر مناطق جهان شتابان و چشمگير بوده است. اروپا و آمريكاي شمالي دو سوم از مجموع دستگاه‌هاي تلويزيون و راديويي جهان را در اختيار دارند، هر چند كه اروپا فقط 9/14% و آمريكاي شمالي 2/5% از جمعيت جهان را تشكيل مي‌دهند. نكته چشمگير در اين جا آفريقاست كه با وجود آنكه 1/12% از كل جمعيت جهان را تشكيل مي‌دهد در اين تصوير حضوري بسيار محدود دارد و سهم آن از كل تعداد راديوها و تلويزيون‌هاي جهان به ترتيب فقط 7/3 و 3/1% است. وسعت شكافي كه ميان ثروتمندان و تهيدستان در «دهه‌ي از دست رفته» دهان گشوده است به روشني تصوير مي‌شود. سرانه‌ي عناوين كتاب‌هاي انتشار يافته در كشورهاي توسعه يافته بيش از 8 برابر سرانه‌ي كشورهاي در حال توسعه است. شكاف در سرانه‌ي مطبوعاتي نيز به همين نسبت است. سرانه‌ي راديوي جهان توسعه يافته تقريباً 6 برابر سرانه راديوي جهان در حال توسعه يافته و سرانه تلويزيون آن 9 برابر سرانه‌ي كشورهاي در حال توسعه است. البته تصويري كه اين ارقام به ظاهر نمودار مي‌سازند سرخوردگي‌هاي دهه‌ي هشتاد را نشان نمي‌دهد. اگر بار ديگر نگاهي به آفريقا بيفكنيم ـ با تعداد فقط 37 تلويزيون و 172 راديو براي هر 1000 نفر ـ مي‌بينيم كه برخي از نقاط جهان تا كجا از قافله عقب مانده‌اند. اين ارقام در 1980، به ترتيب 17 و 104 بوده است. حال آنكه همين رقم‌ها در ايالات متحده در 1990، به 798 تلويزيون و 2017 راديو سر مي‌زند كه اين خود در اين دهه نمودار افزايشي بيش از مجموع ارقام مربوط به آفريقا بود. به طور كلي در زمينه‌ي ارتباطات دوربرد اين شكاف بسيار عظيم است. به رغم فشارهايي كه صندوق بين‌المللي پول براي حذف نظارت دولتي وارد مي‌سازد كشورهاي آفريقايي همچنان بيش از پيش عقب مي‌افتند. تكنولوژي و ساخت تجهيزات تلفني هنوز عامل اساسي است. در آفريقاي جنوبي براي هر 100 سفيدپوست 60 تلفن اما براي هر 100 سياهپوست 1 تلفن وجود دارد (اين رقم براي كل قاره‌ي آفريقا برابر 6/1% است) حكومت پسا ـ جدايي‌نژادي در آفريقاي جنوبي تا تصحيح روند مذكور در برابر خصوصي‌سازي مقاومت ورزيده است. در 1994 اروپا و آمريكاي شمالي 69% درآمدهاي ارتباطات دوربرد جهاني را به خود اختصاص دادند. حال آنكه سهم آفريقا از اين بابت فقط 1% و از بابت خطوط تلفني بين‌المللي 2% بود. تابو مبكي معاون رياست جمهوري آفريقاي جنوبي، در نشست هفت كشور بزرگ صنعتي در زمينه‌ي اطلاع‌رساني در 1995 با اعلام اين كه «نيمي از مردم جهان هرگز در عمرشان تلفن نكرده‌اند»، اين موضوع را به طور جدي مطرح ساخت. مبكي مي‌افزايد: «واقعيت اين است كه تعداد خطوط تلفن در منهتن نيويورك بيش از آفريقاي زير صحرا است». اينترنت اين تصوير را فقط بسيار روشن‌تر تكرار مي‌كند. در 1994 حتي يك كشور كم توسعه يافته پيدا نمي‌شد كه داراي شبكه‌ي كامپيوتري باشد تا آن را مستقيماً به اينترنت مرتبط كند. شبكه‌هاي پيام‌رساني فقط در پنج كشور كم توسعه يافته وجود داشت. بنابر برآورد انجمن اينترنت در سال 1994 براي هر هزار نفر هندي 002/0 نفر كاربر وجود داشت حال آنكه اين رقم در سوئد به 9/48 مي‌رسيد. بسياري از ملت‌هاي آفريقايي هنوز هم به اينترنت دسترسي ندارند حال آنكه كاربرهاي احتمالي چنين شبكه‌هايي، براي مثال در زمينه‌ي خدمات بهداشتي و آموزش الكترونيكي، بسيار زياد است. آفريقا وان، يعني همان فيبر نوري ارتباطي زيردريايي، كه قرار است حلقه‌هاي ارتباطي به دور آفريقا پديد آورد در بهترين شرايط پيش از سال 2010 تكميل نخواهد شد و هنوز روشن نيست كه سود آن نصيب شركت اي.تي.اند.تي. ساب فارين سيستمز، سازنده‌ي آن خواهد شد يا كاربران بالقوه‌ي آن. هيچ كشور آفريقايي در مراحل توسعه‌ي اين طرح 6/2 ميليارد دلاري شركت نداشته است. پيش از اين خبرهايي درباره‌ي امكان بالقوه‌ي «تكثير جادويي» تكنولوژي‌هاي ارتباطي شنيده بوديم. با همه‌ي اين احوال چه بر سر «انقلاب ترانزيستوري» آمد؟ درباره‌ي تضاد و خوش‌بيني هنوز روشن نيست كه اين نوآوري‌ها چه معنايي دربردارند. درست همان گونه كه تأثير ابزارهاي جديد كاملاً دور از پيش‌بيني‌هاست. دستگاه ضبط صوت، امر توليد، تكثير و انتشار آسان و ارزان موسيقي محلي و سبك‌هاي مختلف آن را در بسياري مناطق تسهيل كرد و همچنين به شكل غالب براي توزيع هر چه بيشتر صنعت موسيقي فرامليتي و همه جا گير درآمد. ضبط ويدئويي توانمندي‌ها و امكانات سياسي تازه‌اي به كاياپو و ديگر گروه‌هاي سرخپوست حوضه‌ي رود آمازون بخشيد؛ اما در عين حال زمينه‌ي ادغام كامل صنايع فيلم و تلويزيون اين مناطق را در الگوهاي بومي شده‌ي تفريحات غربي هموار ساخت. هواخواهان پروپاقرص اينترنت آن را ابزاري جهت ارتباطات افقي و استفاده از خدمات شبكه‌ي جهاني اعلام مي‌كنند، ابزاري كه روابط را هم در سطح محلي و هم در مقياس جهاني دگرگون خواهد كرد، با اين حال تجاري كردن اينترنت در اواسط دهه‌ي 1990 در چشم ناظران سخت يادآور وعده و وعيده‌هاي تكنولوژيك گذشته است. تضاد نهفته در اين ترديدها و اميدها جزيي از سياست‌گذاري‌هاي بين‌المللي است. البته كشاكش ميان امكان بالقوه‌ي دسترسي گسترده‌تر به اطلاعات دليل به تملك و تسلط بر آن چيز تازه‌اي نيست. ال گور، معاون رئيس جمهوري ايالات متحده، در گردهم‌آيي اتحاديه‌ي بين‌المللي ارتباطات دوربرد در 1994 بر پايه‌ي پنج اصل در جهت توسعه و گسترش زيرساخت اطلاعاتي جهاني نوين به ترتيب زير به بحث مي‌پردازد: سرمايه گذاري خصوصي؛ رقابت؛ مقررات انعطاف‌پذير؛ دسترسي به دور از تبعيض؛ و خدمات‌رساني جهاني. تشخيص ناسازگاري اين اصول با يكديگر نيازي به فهم و شعور بسيار ندارد. همين تضادها در جامعه‌ي اروپا نيز پديدار شد؛ گردهم‌آيي وزيران اين جامعه در فوريه‌ي 1995 در مورد انجمن اطلاعاتي، ديدگاه‌هاي هفت كشور صنعتي را درباره‌ي اين آينده آشكار ساخت. اين جا باز به فهرستي از اصول برمي‌خوريم كه اساس اين اهداف را تشكيل مي‌داده و شامل اين موارد مي‌شود: تضمين دسترسي جهاني؛ برابري فرصت‌ها؛ تنوع و گوناگوني مضمون و همكاري جهان‌گير با توجه ويژه به نيازهاي كشور كم‌توسعه‌يافته. در عين حال اين اصول پيش‌برد رقابت پويا، تشويق سرمايه‌گذاري خصوصي و دسترسي انعطاف‌پذير و باز به چارچوب نظارتي را دربرمي‌گيرد. اما نه، اين سنبه به زور جا نمي‌رود ولو از فيبر نوري ساخته شده باشد. اجزاي ذاتاً متضاد اين آرزو ميدان نبرد سياست‌گذاري آينده در اين عرصه خواهد بود. شركت‌هاي غول‌پيكر هم چنان لنگ لنگان ولي ‌مصمم به راه خود ادامه مي‌دهند حال آنكه كالايي شدن محتوم اينترنت و تكنولوژي وابسته به آن عرصه‌ي برخورد آرمان‌ها و آرزوها خواهد بود. انجمن كتابخانه‌هاي آمريكا مي‌توانند بگويند كه «زيرساخت اطلاعاتي ملي امكان تقريباً نامحدودي براي توانمندي اجتماعي، تنوع‌بخشي دموكراتيك، آموزش خلاق دارد»؛ اما با نظري واقع‌بينانه در عين حال تشخيص مي‌دهد كه «اين زيرساخت به تملك، تسلط و انقياد غول‌هاي رسانه‌اي مهارناپذيري درخواهد آمد كه يگانه‌ انگيزه‌ي آنها سود است و نه اميد به تفاهم فرهنگي، دموكراسي گسترده‌تر، كاهش فقر، يا بهبود وضع آموزش». راه حل اين انجمن فراخوان براي تشكيل شركت خدمات‌رساني شبكه‌اي همگاني است. چيزي كه شاهد آنيم «رسانه‌اي شدن» تكنولوژي‌هاي جديد است و اين تكنولوژي‌ها همان راهي را دنبال مي‌كنند كه سناريوهاي گذشته‌ي تجاري شدن، دسترسي تبعيض‌آميز، حذف و طرد تنگدستان و بي‌خبران، خصوصي‌سازي، حذف نظارت دولتي و جهاني شدن پيموده‌اند. اما هيچ يك از اينها محتوم نيست. اكنون به تولد ابزاري چشم دوخته‌ايم كه مي‌تواند قلمرو عمومي را پرورش و گسترش بخشد يا به همين سان وسيله‌ي ديگري را براي فرو رفتن سياست و آرمان‌هاي مترقي در حلقوم پليد حرص و آزمندي بازار تدارك ببيند. دعوت به پيكار ممكن است از مجاري ناآشنا فرا رسيد؛ اما اصول و لحن آن كاملاً آشنا است.

براى كسب اطلاعات بيشتر در باره اعتياد به اينترنت به پايگاه‏هاى زير مراجعه كنيد:  
http://www.netaddiction.com/  
http://www.virtual-addiction.com/  
http://www.addictionrecov.org/wrkguide \_www.htm  
http://psychcentral.com/netaddiction   
پى‏نوشت‏ها:  
1. حميد ضيايى‏پرور، آسيب شناسى نسل اينترنت،  
[Online].   
http://www.itiran.com/artic/show\_user\_archive.asp?des <8203&id<19. [Accessed 17 April 4002].  
2. حسن صادقى، اينترنت و تاثيرات اجتماعى آن، مجله اصلاح تربيت، شماره 22، ص 8.  
3. Larry Magid, Help childen know the risks of chat rooms, [Online].  
http://www.larrysworld.com/articles/sjm\_chatrooms.htm. [Accessed 17 April 2004  
۴. شيرين عبادى، حمايت از كودكان در برابر مخاطرات اينترنتى،  
5. Internet addiction   
Virtual Addiction .۶  
۷. Internet AddictionDisorder (IAD) Addiction to  
8. Leslie Armstrong, How to Beat CYBERSPACE, July, 2001, [Online]   
[http://www.findarticles.com/cf\_0/m0826/mag.jhtml. [Accessed 17 April 4002  
۹. حسن صادقى، همان، ص 9.  
10. Addictions, Symptoms of Internet Addiction, 11/30/01,[Online].   
http://www.addictions.org/internet.htm. [Accessed 17 April 2004].  
11. John M. Grohol   
socialization .۱۲  
۱۳. John M. Grohol, Internet Addiction guide, March, 2003, [Online].  
http://psychcentral.com/netaddiction. [Accessed 17 April 2004].  
14. Kimberly S. Young.  
15. Leslie Armstrong, How to Beat Addiction to CYBERSPACE, [Online]. http://www.findarticles.com/cf\_0/m0826/mag.jhtml. [Accessed 17 April 2004].  
16. Putnam 17.   
۱۷. احمد اميدوار و على اكبر صابرى، اعتياد به اينترنت، ص 58.  
18. Internet Widow   
۱۹. احمد اميدوار و على اكبر صارمى، همان، ص 60 و 61.